



118011

۸۷/۱/۱۰۸۴۳۶
۸۸/۱۶۹



سیاست هسته‌ای ایران: چالشها و فرصتها

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روابط بین‌الملل

دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی

کمال ایرانی دوست

شهریور ۱۳۸۷

۱۱۵۳۸۸



سیاست هسته‌ای ایران: چالشها و فرصتها

پایان نامه ارائه شده به گروه سیاسی

دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی

دانشگاه شهید بهشتی

برای دریافت دانشنامه کارشناسی ارشد

در رشته روابط بین‌الملل

توسط:

کمال ایرانی دوست

استاد راهنما:

دکتر عبدالعلی قوام

۱۳۸۸ / ۱ / ۲۰

شهریور ۱۳۸۷

کتابخانه
گروه سیاسی
دانشگاه شهید بهشتی

تقدیم به:

تقدیم به پدر و مادر زحمتکش و خاطرہ پاک مادر بزرگم

برگ تائیدیه پایان نامه

عنوان پایان نامه:

سیاست هسته‌ای ایران: چالشها و فرصتها

نام دانشجو: کمال ایرانی دوست

مقطع: کارشناسی ارشد

رشته تحصیلی: روابط بین‌الملل

این پایان نامه در جلسه ۲۴/۴/۱۳۸۷ با شماره ۱۹۰ و درجه C مورد تایید اعضای کمیته پایان نامه، متشکل از استادان زیر قرار گرفت:

دکتر عبدالعلی قوام

دکتر محمود سریع القلم

دکتر محمد رضا تاجیک

~~استاد راهنما~~
~~امضا~~

~~استاد مشاور~~
~~امضا~~

استاد داور
امضا

رئیس



اذعان

مطالب ارائه شده در این پایان نامه توسط اینجانب در دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی در فاصله زمانی تیرماه ۱۳۸۵ تا شهریور ماه ۱۳۸۷ به انجام رسیده است. به استثنا کمکهای مورد اشاره در سپاسگذاری محتوی این پایان نامه بطور کامل توسط خود اینجانب صورت گرفته است. این پایان نامه یا بخشی از آن برای دریافت هیچ مدرکی به این دانشگاه یا سایر دانشگاهها ارائه نشده است.

کمال ایرانی دوست
امضاء ۸۷/۱۰/۰۸

سپاسگزاری

نگارش و تدوین این تحقیق بدون شک بدون مساعدت دکتر قوام، دکتر سریع القلم و جناب آقای دکتر تاجیک میسر نمی‌بود. هم‌چنین لازم است از تمام دوستانم از جمله آقایان قاسم علی‌پور، برهان قیصری و کاوه قبادی که در ویرایش آن همکاری بسیاری نمودند، آقای هوشنگ حیدری که ایده اصلی این تحقیق از آن ایشان بود، و بالاخره آقای طاهر خدیو که در اصلاح محتوا کمک فراوانی نمودند و بسیاری دوستان دیگر، کمال تشکر را بنمایم.

عنوان: سیاست هسته‌ای ایران: چالشها و فرصتها

دانشجو: کمال ایرانی دوست

استاد راهنما: دکتر عبدالعلی قوام

مقطع: کارشناسی ارشد

رشته تحصیلی: روابط بین‌الملل

تاریخ ارائه: شهریور ۱۳۸۷

چکیده:

وابستگی متقابل بین‌المللی در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از دهه ۱۹۷۰ به بعد افزایش چشمگیری داشته است و به تبع آن چالشهای بین‌المللی زیادی از جمله چالشهای امنیتی مانند مساله گسترش جنگ افزارهای هسته‌ای نیز مطرح گشته‌اند. اما مساله پی‌گیری تکنولوژی حساس غنی‌سازی از سوی ایران در چنین سیمای درهم تنیده‌ای از روابط بین‌الملل پدید آمد و به یک مساله بین‌المللی و حتی جهانی تبدیل شده است. مواضع کشورهای گروه ۵+۱ به عنوان اصلی‌ترین بازیگران در برابر سیاست هسته‌ای ایران را می‌توان با رویکردهای مختلف بررسی کرد اما نزدیکترین رویکرد به دیدگاه سیاستمداران کشورهای گروه مذکور دیدگاه نهادگرایی نئولیبرال است اگر چه استقبال از این نظریه به دلیل اهمیت بیش از پیش همکاری در روابط کشورها بر محدودیتها و نواقص این نظریه نمی‌تواند سرپوش بگذارد اما چارچوب منظم و نسبتاً مناسبی برای بررسی مواضع آن دولتها در اختیار می‌نهد. بر اساس این رویکرد موضع ایالات متحده امریکا به عنوان راهنمای سایر اعضا گروه، مخالفت صریح با هرگونه دستیابی ایران و حتی بسیاری از کشورهای دیگر به چرخه سوخت اتمی است و به تبع سایر قدرتها نیز به علت وابستگی متقابل و نزدیک شدن چالشهای امنیتی‌شان مسیر ایالات متحده در مقابل ایران را برگزیده‌اند و به نظر می‌رسد این همکاری در آینده ادامه یابد.

فهرست مطالب

| | |
|---|----------|
| مقدمه و چارچوب تحقیق | ۱ |
| ۱. مقدمه | ۱ |
| ۲. اهمیت موضوع | ج |
| ۳. سابقه تحقیق | د |
| ۴. سوال اصلی | د |
| ۵. سوالات فرعی | د |
| ۶. مفروض | ه |
| ۷. فرضیه اصلی | ه |
| ۸. فرضیه‌های فرعی | ه |
| ۹. مفاهیم کلیدی | ه |
| ۱۰. متغیرهای اصلی | ه |
| ۱۱. روش تحقیق | و |
| ۱۲. سازماندهی و فصل بندی تحقیق | و |
| فصل اول: چارچوب نظری | ۱ |
| انتقادهای سنتی رویکرد نئولیبرال نسبت به رئالیسم | ۱ |
| مشخصه‌های رویکرد لیبرال | ۲ |
| نظریه‌های مربوط به همگرایی | ۳ |
| نهادگرایی لیبرال (پلورالیسم) | ۳ |
| ۱. نظریه کارکردگرایی | ۴ |
| ۲. نظریه نئوکارکردگرایی | ۵ |
| ۳. نظریه ارتباطات دویچ | ۷ |
| ۴. نظریه وابستگی متقابل | ۸ |
| مفهوم کالاهای جمعی | ۱۰ |
| ۵- نظریه رژیمهای بین‌المللی | ۱۲ |
| جهانی شدن؛ تقویت رژیمها | ۱۳ |

| | |
|----|---|
| ۱۴ | نظریه ثبات هژمونیک |
| ۱۷ | نظریه نهادگرایی نئولیبرال (نئولیبرالیسم) |
| ۱۸ | اصول و پیش‌فرضهای رویکرد نهادگرایی نئولیبرال |
| ۱۹ | الف) هرج و مرج بین‌المللی |
| ۲۰ | ب) رویکرد ساختارمند |
| ۲۱ | پ) دولتها به مثابه بازیگران عاقل |
| ۲۳ | ت) دولتها به عنوان مهمترین بازیگران |
| ۲۴ | ث) نقش مستقل نهادهای بین‌المللی |
| ۲۷ | نهادهای و همکاریهای بین‌المللی |
| ۳۰ | وابستگی متقابل بین‌المللی و افزایش همگرایی دولتها |
| ۳۶ | رویکرد نئولیبرالیسم به اقتصاد و امنیت بین‌الملل |
| ۳۸ | جایگاه ویژه اقتصاد در مفهوم سازی نوین امنیت |
| ۴۷ | فصل دوم: تحلیل مواضع کشورهای کشورهای گروه ۵+۱ و نتیجه‌گیری |
| ۴۸ | ۱- ایالات متحده آمریکا |
| ۵۵ | گسترش هسته‌ای؛ NPT و نیاز به بازنگری آن |
| ۴۹ | راهبرد آمریکا در مقابل سلاحهای کشتار جمعی |
| ۵۹ | راهبرد آمریکا در مقابل سلاحهای کشتار جمعی و برنامه اتمی جمهوری اسلامی ایران |
| ۶۲ | ۲- تروپیکای اروپا |
| ۶۲ | اهمیت استراتژیک ایران برای اروپا |
| ۶۵ | روابط دوسویه آتلانتیک و روابط اروپا با روسیه و چین |
| ۷۳ | ۳- روسیه |
| ۷۴ | روسیه و موضعش در قبال مساله هسته‌ای ایران و تهاجم احتمالی نظامی به ایران |
| ۷۵ | الف) روابط روسیه-آمریکا و غرب |
| ۷۵ | الف-۱) مشکلات اقتصادی روسیه و نیاز به تعامل با غرب |
| ۷۷ | الف-۲) مشکلات سیاسی روسیه و نیاز به همکاری با آمریکا |
| ۷۹ | ب) روابط روسیه-ایران |
| ۸۰ | همکاریهای ایران و روسیه: دلیل میزان اهمیت آن برای مسکو |

| | |
|-----|--|
| ۸۱ | عدم وجود اختلاف بنیادین میان امریکا و روسیه |
| ۸۳ | چند تجربه گذشته از نحوه رفتار روسیه با متحدانش |
| ۸۹ | ۴- چین |
| ۹۰ | روابط چین-ایران |
| ۹۰ | الف) روابط اقتصادی با ایران |
| ۹۲ | ب) همکاریهای نظامی چین با ایران |
| ۹۳ | پ) چین و گزینش بین ایران و امریکا |
| ۹۷ | نتیجه گیری |
| ۱۰۴ | منابع |

مقدمه و چارچوب

مواضع کشورهای گروه ۵+۱ در برابر پرونده اتمی ایران را می‌توان با رویکردهای مختلف بررسی کرد. لازم است که ذکر شود عنوان اصلی این رساله "بررسی مواضع گروه ۵+۱ در برابر مسأله اتمی ایران بر اساس رویکرد نهادگرایی نئولیبرال" است و عنوان روی جلد آن مطابق با خواست نگارنده نبوده بلکه با تصمیم دانشکده در هنگام تصویب طرح پیشنهادی آن، این عنوان تصویب شده بود در حالیکه مطالب داخل پایان نامه به هیچ عنوان مطابقتی با عنوان روی جلد آن ندارد، چرا که در حالت کنونی نظام بین‌الملل متغیر مستقل و ایران متغیر وابسته قرار می‌گیرد. به هر روی، براساس رویکرد نهادگرایی نئولیبرال، نظام بین‌المللی در هیچ عصری به اندازه‌ی مقطع کنونی دچار تغییر نشده است. روابط نوین بین‌المللی حاصل روندهای جدید بین‌المللی است که در اثر عوامل مختلفی چون ظهور شرکتهای چندملیتی، افزایش مبادلات تجاری بین‌المللی و مهم‌تر از همه تبادل سرمایه، نقل و انتقالات فناوری، فروپاشی نظام وستفالیایی و افزایش تعداد بازیگران بین‌المللی، کاهش تنش میان روابط قدرتها، اهمیت یافتن و رشد نهادهای بین‌المللی (اعم از دولتی و غیر دولتی) و افزایش نفوذ پذیری مرزها بوجود آمده است. دیدگاههای موجود در مورد نقش محوری دولتهای ملی، با یکدیگر هم نظر نیستند، ولی هیچ یک از آنها تصویری از جهان ترسیم نمی‌کند که در آن چنین بازیگرانی آشکارا حضور نداشته باشند. نکته مهم دیگر اینست که نظریه‌های گوناگون همگی معتقدند که پوشش‌های دگرگونی دامنه عمل جهانی دارند و باعث وابستگی متقابل سرسام‌آوری در سطح جهان می‌شوند به ترتیبی که حتی دور افتاده‌ترین جوامع نیز از پیامدهای رویدادهای نشأت گرفته در سرزمین‌های دور تاثیر می‌پذیرند.

جهان به شکل فزاینده‌ای به سمت پیچیدگی، وابستگی متقابل و تمرکززدایی هر چه بیشتر می‌رود و در نتیجه، دولتها و حکومتها هر چه بیشتر کارایی و اثر بخشی خود را از دست می‌دهند. شاید آنها مانند (مانند چین و برمه در سال ۱۹۸۹) برای کنترل مخالفت‌ها در میان شهروندان خویش بتوانند به زور متوسل بشوند و برای حل معضلات اقتصادی و اجتماعی ناشی از کمبود منابع، فشار جمعیت، ناآرامی خرده‌گروهها و جهان پسا صنعتی که سرشت وفاداریها، فعالیتها، تجارت و بسیاری دیگر از ابعاد زندگی روزمره را دستخوش استحاله می‌سازد توانایی هر چه کمتری دارند (دولت شوروی این حقیقت را در سال ۱۹۹۰ به روشنی آشکار ساخت).^۱ بسته به اینکه کدام نظریه را به کار ببریم، نقش دولتها، برجستگی سایر بازیگران، و آهنگ و سمت و سوی دگرگونی، همگی صبغه‌های متفاوتی به خود می‌گیرند. بین‌المللی شدن تاثیراتی دور از انتظار بر سیاست داخلی خواهد داشت. همچنانکه آن به پیش می‌رود، ترجیحات سیاسی گروهها تغییر خواهد کرد، ائتلاف جدید شکل

^۱ - جیمز روزنا، آشوب در سیاست جهان، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۸۲، ص ۱۵.

خواهد گرفت، و پتانسیل برای تغییرات در سیاستهای داخلی و نهادها افزایش خواهند کرد.^۲ بین‌المللی شدن و وابستگی متقابل حتی دولتهای دارای اقتصاد بسته را تحت تاثیر قرار دادند و خواهد داد. با این همه هیچ یک از دو پارادایم رئالیسم و نئورئالیسم از لحاظ نظری برای کنار آمدن با این دگرگونی‌ها آماده نیستند. هر دوی این پارادایم‌ها بر فرض وجود نوعی ثبات و استمرار بنیادین در سرشت امور جهان پایه گرفته‌اند. و بنابراین، هر دو هم چنان فرض گرفته‌اند که دولتها نقش آفرینان عرصه‌ی جهان‌اند، و به هیچ وجه کاهش اقتدار و مرجعیت آنها را نمی‌پذیرند. در حالیکه حکومتها از پا در می‌آیند و گروه‌های جانشین، جنبش‌های اجتماعی و سازمانهای فراملی به نحو روز افزونی اهمیت زیادی می‌یابند.

رئالیست‌ها و نئورئالیست‌ها توجه خود را بر دولتها به عنوان بازیگران خردمند متکی ساخته‌اند. مطمئناً زمینه‌های بسیاری باقی است که در آنها دولت‌ها برتری خود را حفظ کرده‌اند و رفتارشان با قضایای اصلی رئالیسم سازگار است. ولی مرزهای این زمینه‌ها در اثر پویش دگرگونی جهانی در حال تنگ‌تر شدن است^۳ و رئالیست‌ها باید برای برای منظور داشتن این دگرگونی‌ها و حوزه‌های روبه گسترشی که در آنها دولتها از اقتدار کمتری برخوردارند، باز هم پارادایم خویش را تعدیل نمایند. علاوه بر این انتقادات کلی از رئالیسم، برخی لیبرال‌ها استدلال کرده‌اند که در تغییرات در راه روابط بین‌الملل مفروضات رئالیستی را منسوخ کرده است. رئالیسم ممکن است زمانی که پادشاهان اروپایی و ملکه‌ها جنگیدند و قلمروها را به عنوان مایملک خود به حساب می‌آوردند و بر آنها تاختند، واقع‌گرایانه بوده باشد. اما دولتها اکنون به هم پیوسته شده‌اند، واقعیتی که در تضاد با مفروضات خودمختاری و حاکمیت است. مرزها در حال سست شدن هستند. تمامیت سرزمینی به طور فزاینده‌ای غیر قابل دفاع می‌شود. این شیوه از بحث در رویکردهای وابستگی متقابل به روابط بین‌الملل از دهه‌ی ۱۹۷۰ و ادبیات "بین‌المللی شدن" از اواخر دهه ۱۹۸۰ به بعد تاکنون مسلط شده‌اند.^۴

به دنبال مسلط شدن پارادایم نئولیبرالیستی بر مفهوم سازی مقوله امنیت در نظام اقتصاد سیاسی جهانی، اصلی‌ترین راهکار حفظ و گسترش صلح، ایجاد و تقویت وابستگی متقابل اقتصادی در میان کشورهاست. به گونه‌ای تجارت بر جنگ و تنازع برتری می‌یابد. در این نظام، امنیت همه دولتها به یکدیگر گره خورده است و امنیت دسته جمعی که در آن همگان ملزم به همکاری هستند ظاهر می‌شود. وابستگی متقابل مانع اصلی روی آوردن به سمت خشونت و تهدید امنیت ملی فرض میگردد، زیرا هزینه آن به شدت افزایش می‌یابد و منافع حاصل از آن کاهش پیدا می‌کند. وابستگی متقابل میان دولتها تمامی حوزه‌های منافع ملی از امنیت گرفته

^۲ Robert O. Keohane and Helen Milner, *Internationalization and Domestic Politics: An Introduction*, from this book: **"Internationalization and Domestic Politics"**, Edited by Robert O. Keohane and Helen Milner, Cambridge University Press, 1996, P18.

^۳ روزنا، همان. ص ۱۶.

^۴ Goldstein S. Jashua, **"International Relations"**, American University, Washington D.C, fifth edition, 2003. P. 115.

تا سیاست را تحت پوشش قرار می‌دهد. بنابراین، جا دارد که تاکید کنیم که فعالیتهای اقتصادی و تولید ثروت از جایگاه یکی از منافع قدرت سنتی ملی در تدوین امنیت ملی بر اساس دیدگاه رئالیستی، به اصلی‌ترین عرصه شکل‌گیری و گسترش امنیت ملی بر اساس وابستگی متقابل میان دولتها و در پرتو نظام اقتصاد جهانی تبدیل شده است.

در واقع، مساله اتمی ایران برآیند چنین روندهایی است و در نظامی نوین با چنین سیمایی پدید آمده است. از یک سو، با یک رویکرد لیبرالیستی، دیدگاه‌های لیبرالی به دلیل پذیرش فراملی‌گرایی (transnationalism) و پلورالیسم که صریحاً با فهرست گسترده‌ای از موضوعات و با فرایندهای پیچیده‌ی وابستگی متقابل سروکار دارند بیش از هر پارادایم دیگری با پوشش‌های جدید سیاست جهان همخوانی دارند. پلورالیستها به نفوذ پذیری دولتها و ظهور بازیگران فروملی و فراملی به عنوان کانونهای فعالیت و وفاداری اذعان دارند. این انعطاف-پذیری پلورالیستها را قادر می‌سازد تا برای پوشش‌های دگرگونی بیش از عوامل ثابت، وزن و اهمیت قایل شوند. از سوی دیگر، فهم دیدگاه‌های نئولیبرال تنها شیوه‌ای است که شما را برای فهم و تشریح این موضوع امیدوار می‌سازد که رهبران و شهروندان تا چه حد به جهان به طور مشابه نگاه می‌کنند و به موضوعات و حوادث پاسخ می‌دهند، شاید این برداشت وقتی مهمتر باشد که در مورد نئولیبرالیسم و نئورئالیسم بحث کنیم زیرا آنها بیانگر رویکردهای غالب سیاست جهانی و در جامعه‌ی دانشگاهی ایالات متحده هستند.⁵ و همچنین تا از این رهگذر بتوانند از جهانی که ایران باید در آن واکنش نشان بدهد تصویری بهتر از معتقدین به دیگر پارادایم‌ها ترسیم نمایند.

اهمیت موضوع

اهمیت مساله اتمی ایران بر هیچ کس پوشیده نیست. این مساله تمام مرزهای بین‌المللی را در نوردیده و به مساله جهانی تبدیل شده است. شاهد مدعا آن است که تا به حال کمتر کشوری باقی مانده است که در مقابل آن موضع نگرفته باشد و مقامات کمتر کشوری هنوز هستند که به اظهار نظر در مورد آن نپراخته باشند. اما بررسی مواضع بازیگران اصلی درگیر در آن یعنی اعضا گروه ۵+۱ با رویکردی علمی در چارچوب نظریات روابط بین‌الملل اهمیت ویژه‌ای دارد. ساده‌ترین راه پی بردن به مواضع آن کشورها استفاده از رویکردی در روابط بین‌الملل است که مطابق دیدگاه کنونی سیاستمداران آنها باشد. در واقع این رویکرد می‌تواند جهت‌گیری قبلی، کنونی و آینده آن کشورها را علتیابی کرده و بصورتی نسبی پیش بینی نماید. هر چند هیچ رویکردی

⁵ Dunne Tim, Liberalism. From 162-181. Baylis. John and Steve Smith. "The Globalization of World Politics: An Introduction to International Relations". Oxford University, second edition, 2001.p184.

نمی‌تواند نواقص و عیوبات خود را انکار کند لذا تقلیل‌گرایی و قیچی‌کردن علت‌های مصداق‌هایی مانند موضع اعضا این گروه در برابر سیاست هسته‌ای ایران در رویکردهای مختلف و از جمله رویکرد مورد استفاده همچنان پابرجا می‌ماند.

سابقه تحقیق

تاکنون در مورد مساله اتمی ایران مطالب زیادی گفته و نوشته شده‌اند. مساله اتمی ایران را می‌توان از زوایای مختلف اقتصادی، سیاسی، حقوقی، نظامی و غیره بررسی و تحلیل کرد. در ارتباط با هدف این تحقیق، یعنی تحلیل علل و چگونگی موضع‌گیری بازیگران اصلی درگیر در مساله هسته‌ای ایران، یعنی گروه ۵+۱ هم مطالب روزنامه‌ای، مجله‌ای کتابی، سخنرانی زیادی وجود دارند. اما آنچه که در این میان کمبود شدیدی احساس می‌شود بررسی این مساله با دید تئوریک و در چارچوب نظریات روابط بین‌الملل است. به طوریکه چند کتاب برای مثال دیپلماسی هسته‌ای مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام و کتاب پرونده هسته‌ای ایران چاپ نشر موسسه مطالعات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، فاقد دیدگاه تئوریک و صرفاً به توالی رویدادهای و گاهشمار حوادث مرتبط با پرونده اتمی ایران پرداخته‌اند که کمک چندانی به درک ابعاد گسترده خصوصاً سیاسی این موضوع نخواهند کرد.

سوال اصلی تحقیق:

براساس نظریه نهادگرایی نئولیبرال مواضع کشورهای گروه ۵+۱ در برابر مساله اتمی ایران چگونه تحلیل می‌شود؟

سوالات فرعی:

- ۱- روندهای جدید بین‌المللی از جمله افزایش نقش بازیگران جدید بین‌المللی مانند شرکتهای چندملیتی و سازمانهای بین‌المللی و افزایش نقش رژیمها و نهادهای بین‌المللی چه تاثیراتی بر روی موضع‌گیری کشورهای گروه ۵+۱ در برابر سیاست هسته‌ای ایران داشته است؟
- ۲- جهانی شدن چه تاثیری بر روی افزایش خطر تکثیر هسته‌ای داشته است؟

مفروض:

سیاستمداران و دست اندرکاران غالب کشورهای جهان خصوصا کشورهای پیشرفته صنعتی به دلیل هژمونی لیبرالیسم اقتصادی، به صورتی نئولیبرال جهان را می بینند و منافع خود را اقتصادی تعریف کرده اند. بنابراین با هژمونی نئولیبرالیسم در عرصه پراتیک سیاست جهان مواجهیم.

فرضیه اصلی:

براساس رویکرد نهادگرایی نئولیبرال، عوامل و روندهای نوین بین المللی باعث رشد هر چه بیشتر فرایند بین المللی شدن و تشدید وابستگی متقابل و نزدیک شدن چالشهای امنیتی کشورها به یکدیگر و بنابراین تشدید همکاری و همگرایی بیشتر میان کشورهای گروه ۵+۱ در قبال سیاست هسته ای ایران می شود.

فرضیه های فرعی:

تحرك سرمایه های جهانی و انقلاب ارتباطات سبب شده است تا دولتها بیش از همیشه در معرض آمد و شدهای جهانی واقع شوند و افزایش حجم مراددات تجاری، بازرگانی و اقتصادی دولتها با همدیگر باعث شده است تا احتمال آسیب پذیری بالقوه هر چه بیشتر هر یک از این دولتها از بی ثباتی اقتصادی در مناطق دوردست جهان افزایش یابد.

مفاهیم کلیدی:

گروه ۵+۱، وابستگی متقابل، وابستگی متقابل متقارن و نامتقارن، تکنولوژی حساس غنی سازی

متغیرهای اصلی تحقیق:

متغیر مستقل: نظام بین الملل

متغیر وابسته: سیاست هسته ای ایران

روش تحقیق:

رویکرد نهادگرایی نئولیبرال یا به طور خلاصه نئولیبرالیسم در تقسیم بندی رویکردهای مختلف روابط بین‌الملل تقریباً همیشه چه از لحاظ اپیستمولوژیک و چه از بعد روش شناختی اثبات‌گرایانه بوده و لذا متدلوژی ما در این تحقیق پوزیتیویستی خواهد بود بدین معنی که با آوردن ارقام و آمارهای مختلف اقتصادی و گزینش رفتارهای خارجی کشورهای گروه ۵+۱ در قبال مسایل مختلف از جمله سیاست هسته‌ای ایران، بصورتی عینیت‌گرایانه به تحلیل مواضع این کشورها می‌پردازیم. در این میان سعی شده است که ادعای جدایی واقعیات از انگاره‌ها و ارزشهای ما، حفظ بشود هر چند، به گونه‌ای که در بالا هم آمد نگارنده از محدودیتها و نواقص روش شناختی اثبات‌گرایانه آگاه است. به هر حال استدلال این بوده است چونکه بسیاری از سیاستمداران جهان دارای جهانبینی عینیت‌گرایانه و اثبات‌گرایانه بوده‌اند، لذا برای پی بردن به دلیل و چگونگی موضع‌گیریهای آنها در قبال سیاست هسته‌ای ایران، ساده‌ترین راه قرائتی نخستین با عینک خود آنها خواهد بود. لذا تفسیر و قرائت دوبل و انگشت گذاشتن روی نقاط ضعفهای این تئوری و بحث بیشتر راجع به ریشه‌های رفتار آن سیاستمداران، از حوصله بحث این رساله خارج است. هر چند باز هم تاکید می‌کنیم که متوجه نواقص رویکرد مزبور بوده‌ایم.

سازماندهی و فصل‌بندی تحقیق:

در این تحقیق در پی آنیم که با ارائه تصویری کلی از سیمای روابط نوین بین‌الملل بر اساس رویکرد نهادگرایی نئولیبرال به ارائه تحلیلی روشن و کلی از موضع بازیگران اصلی درگیر در مساله اتمی ایران و مهمتر از آن دلایل و انگیزه‌های اتخاذ چنین موضعی از سوی آنها در قبال مساله اتمی ایران بپردازیم. بدین منظور بعد از ارائه یک مقدمه و سازماندهی و چارچوب تحقیق، در فصل اول خلاصه‌ای از نظریات مختلف لیبرال بعد از جنگ دوم جهانی که با لیبرالیزه شدن هر چه بیشتر اقتصاد بین‌الملل و تثبیت دیدگاههایی لیبرال همراه بوده را آورده تا به دیدگاه نهادگرایی نئولیبرال (نئولیبرالیسم) برسیم. پس از آن به اقتصاد سیاسی نوین بین‌الملل و بحث محوریت اقتصاد در روابط بین‌الملل به عنوان زمینه اصلی بحث دیدگاه نهادگرایان نئولیبرال و هم‌چنین ادبیات وابستگی متقابل و بین‌المللی شدن می‌پردازیم تا مبنای بحث اصلی این تحقیق یعنی دلایل و انگیزه‌ها موضع‌گیری صورت گرفته توسط گروه ۵+۱ و هم‌چنین خود موضع کنونی و موضع احتمالی آینده آنها در قبال مساله اتمی ایران بر اساس رویکرد نهادگرایی را در فصل دوم بررسی کنیم، تا سرانجام نوبت به نتیجه‌گیری برسد.

فصل اول:

چارچوب نظری

سنت درازمدت ایدئالیسم در روابط بین‌الملل معتقد است که: اخلاق، حقوق و سازمانهای بین‌المللی می‌توانند پایه‌هایی برای روابط میان دولت‌ها شکل بدهند؛ طبیعت بشری شیطانی نیست، روابط صلح‌آمیز و مبتنی بر همکاری میان دولت‌ها ممکن است؛ و دولت‌ها عوض اینکه به عنوان کارگزاران خودخواه (self interested) خودمختار عمل کنند می‌توانند به عنوان یک اجتماع عمل کنند.

انتقادهای سنتی رویکرد لیبرال نسبت به رئالیسم

به طور سنتی، لیبرال‌ها چهار طرح انتقادی اصلی بر علیه مفروضات رئالیستی ارائه داده‌اند:¹ اول، مفروض کلیدی آنارکی بین‌المللی چیزی بیشتر از یک حقیقت نسبی نیست. البته تعاملات بین‌المللی به وسیله‌ی روابط قدرت ساختار بندی شده است - به وسیله‌ی توزیع قدرت در نظام بین‌المللی - خواه که قدرت مسلط در نظام (هژمونی) یا "اتفاق" چند قطبی از قدرت‌های بزرگ باشد. رئالیستها می‌توانند، بپذیرند که شامل نظم بین‌المللی ساختار بندی شده به وسیله‌ی قدرت می‌شود. اما نظم هم‌چنین می‌تواند سراسر هنجارها و نهادهای بنا شده بر اساس عمل متقابل و همکاری و حقوق را شامل بشود. رئالیستها موضع سرسخت‌تری در ارتباط با آشتی دادن قلمرو گسترش یافته‌ی وابستگی متقابل و همکاری بین‌المللی با مفروضات آنارکی، غیر قابل اجتناب بودن معضله امنیت و اولویت اهرم نظامی، داشته‌اند.

دوم، لیبرال‌ها مفهوم دولت‌ها به عنوان بازیگران یکپارچه، هر کدام با یک مجموعه منافع ذاتی، را نقد می‌کنند. همچنانکه مطالعه‌ی سیاست خارجی نشان می‌دهد فعالیت‌های دولت‌ها مجموعه‌ای واحد تنها از ترجیحات (اولویتها) را منعکس نمی‌کنند. در عوض، رفتار دولت به وسیله‌ی معاملات داخلی میان و در داخل بوروکراسیها، گروههای ذینفع و دیگر بازیگران با اهداف و منافع متنوع شکل می‌گیرد. بازیگران غیردولتی - افراد، NGOها، IGOها و گروههای قومی - بیشتر ایده‌ای که روابط بین‌الملل به تعاملات تعداد کوچکی از بازیگران دولتی مشخص تعقیب کننده‌ی منافع ملی‌شان تقلیل داده می‌شود را باطل ساخته‌اند.

سوم، مفهوم خردگرایی مساله ساز است. اگر دولت‌ها بازیگران منفردی با منافع ذاتی هستند، به نظر می‌آید اغلب آنها نقش ضعیفی در ماکزیمایز کردن این منافع دارند. البته، گفتن این که، رفتار غیرمنتظره‌ی بازیگر به این علت بوده که رفتار بازیگر غیرعقلایی و یا صرفاً به دنبال یک هدف، یک منفعت، و یا ارزشی که ما عادی یا پرثمر در نظر نمی‌گیریم بوده، سخت است. و همچنین اهمیت آشکار احساسات در تعارضات قومی از قبیل

¹ . Goldstein S. Jashua, *International Relations*, American University, Washington D.C, fifth edition, 2003, p.115.